

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: تیم آدمز* - Tim Adams
برگردان از: عرفان ثابتی
۰۱ اکتوبر ۲۰۱۹

فوتبال فقط یک بازی زیبا نیست



به راحتی از یاد می‌بریم که همپرسی خروج از اتحادیه اروپا در فاصله روزهای برگزار شد که تیم فوتبال بخت برگشته انگلستان به سرمربی‌گری روی هاجسون با تساوی بدون گل در برابر اسلواکی متوقف شد و در مرحله یک هشتم نهایی با شکست ۱-۲ در مقابل ایسلند با سرشکستگی از مسابقات یورو ۲۰۱۶ حذف شد. تونی دوناود توستک حاکی از خوشحالی یا نوعی پیشگویی بود: «بریتانیا ۱، ایسلند ۲. زمستان در راه است.»

کسی چه می‌داند که هت‌تریک احتمالی وین رونی در آن بازی چه تأثیری می‌توانست بر نتیجه رأی‌گیری یکی دو روز بعد داشته باشد؟ اما با اطمینان می‌دانیم که تنها دولتی به بی‌کفایتی یا بی‌خیالی دولت دیوید کامرون رأی‌گیری درباره آینده بریتانیا در اروپا را به چنان زمانی وامی‌گذاشت، یعنی وقتی که فوتبال‌دوستانی که پرچم انگلستان را روی بدنشان خالکوبی کرده و خود را لای پرچم این کشور پوشانده بودند در خیابان‌ها و قهوه‌خانه‌های فرانسه سرگرم دفاع از بازیکنان تیم ملی بودند، وقتی که ملت فوتبال‌دوست انگلستان دوباره در برابر دیگر تیم‌های اروپایی احساس حقارت می‌کرد.

حال که به گذشته می‌نگریم، گویاترین تصویر آن زمان مربوط است به تصویر لشکر هواداران تیم انگلستان که به دست هواداران مسلح پر شمارتر روسیه در بوداگون شده بودند، روس‌هایی که به نظر می‌رسید حامل پیام حساب‌شده‌ای از طرف دولت بوتین هستند. روی بیل‌بوردهای تبلیغاتی استادیوم، شعار تلخ یورو ۲۰۱۶ به چشم می‌خورد: «دیدار با تاریخ.»

جدیدترین کتاب دانش‌نامه‌وار دیوید گولدبلات درباره این بازی جهانی از هیچ یک از ظرایف احتمالی موجود در نمادگرایی این رویارویی خاص غافل نمی‌ماند. او در تحلیل فرهنگ فوتبال انگلستان در ۳۰ سال گذشته به این نکته

اشاره می‌کند که در رقابت‌های عمدتاً شادی‌بخش جام ملت‌های اروپای سال ۱۹۹۶ بود که هواداران انگلستان پرچم بریتانیای کبیر را کنار گذاشتند و به ناسیونالیسم تنگ‌نظرانه‌تری روی آوردند. او همچنین به بروز دودستگی دیگری میان هواداران تیم ملی انگلستان، «بیشتر سفیدپوست و بیشتر عضو طبقه کارگر»، و مخاطبان محصول شیک لیگ برتر اشاره می‌کند. «نام باشگاه‌ها، عمدتاً باشگاه‌های شهرهای کوچک‌تر شمال و مرکز انگلستان، به پرچم‌های پرشمار انگلستان اضافه شد. اما غیبت نام باشگاه‌های بزرگ جهانی‌ترین شهرهای انگلستان (لندن، منچستر و لیورپول) مشهود بود.» این دودستگی خاص با نظریه اصلی این کتاب همخوانی دارد: این که فوتبال، بارزترین و سرگرم‌کننده‌ترین جلوه سرمایه‌داری جهانی افراطی، دستمایه جنبش مخالف آن یعنی وطن‌پرستی افراطی پوپولیستی هم بوده است.

کتاب‌های قبلی گولدبلات - توپ گرد است: تاریخ جهانی فوتبال، کشور فوتبال: تاریخ فوتبالی برزیل، و بازی زمانه ما: معنا و ساختار فوتبال انگلیس - همگی لحنی اندکی امیدوارتر داشتند. آنها عمدتاً این بازی زیبا را متمایل به ایجاد هماهنگی و همسازی میان ملت‌ها و عامل اصلی برابری میان کشورها می‌دانستند. اما تنها یک دهه بعد از انتشار نخستین کتاب، گولدبلات بر شواهد نگران‌کننده‌تری تأکید می‌کند که نشان می‌دهد از این ورزش برای ایجاد تفرقه میان مردم استفاده کرده‌اند. او با تحلیل اوضاع سراسر دنیا، از افریقا گرفته تا اروپا و امریکای جنوبی، هزاران مثال از این فریبکاری سیاسی ارائه می‌دهد.

به نظر گولدبلات، فوتبال در خاورمیانه سه ضلعی است: حکومت در برابر خیابان در برابر مسجد. او نشان می‌دهد که چطور در امارات و قطر از فوتبال به عنوان نماد جاه‌طلبی‌های سلطنتی استفاده کرده‌اند - هر دو کشور باشگاه‌های خارجی را خریده‌اند و دومی میزبانی جام جهانی را به عنوان تجملی‌ترین کالا در عرصه جهان به رخ کشیده است. در ایران فوتبال محرک اعتراض به وضع محدودیت‌های قرآنی بوده است. داعش ابتداء فوتبال را ممنوع کرد اما، تحت محاصره، «الهیات فوتبالی فرصت‌طلبانه‌تر و عمل‌گراتری را بسط داد.» داعش از مسابقات فوتبال برای سربازگیری از میان دانش‌آموزان اردنی استفاده کرد و جنگجویان خارجی را با ایکس‌باکس و بازی فیفا سرگرم کرد. در موص، در سال ۲۰۱۵، نیروهای داعش اجازه دادند تا برای اولین بار بازی «ال کلاسیکو» میان بارسلونا و رئال مادرید در قهوه‌خانه‌ها و خانه‌ها پخش شود اما وقتی فهمیدند که حاضران در استادیوم به یاد قربانیان حملات تروریستی پاریس یک دقیقه سکوت می‌کنند، به قهوه‌خانه‌ها هجوم بردند و تلویزیون‌ها را شکستند.

تحقیق جامع گولدبلات نشان می‌دهد که، تقریباً همه‌جا غیر از امریکای شمالی، هیچ دیکتاتور یا عوام‌فریب ظاهراً دموکرات یا رهبر روحانی دین‌سالاری از تلاش برای سوءاستفاده از احساسات پرشور فوتبال‌دوستان خودداری نکرده است. برخی از آنها مستقیماً سوار بر موج همین احساسات به قدرت رسیده‌اند. اوا مورالس، رئیس‌جمهور بولیوی که از سال ۲۰۰۶ در قدرت بوده، در خانواده فقیر فوتبال‌دوستی به دنیا آمد که کارشان پرورش لاما بود. او در ۱۳ سالگی باشگاهی به نام «فرترنیداد» تأسیس کرد و ستاره و کاپیتان و مربی این تیم شد. وقتی رئیس اتحادیه محلی شد، خط مشی خود را چنین اعلام کرد: «حاضریم در راه مبارزه برای حقوق مردم بمیریم، اما اگر چنین فرصتی فراهم نشود، دوست دارم که هنگام فوتبال بازی کردن بمیرم.» او بعدها وقتی رئیس‌جمهور شد همزمان در دسته دوم لیگ بولیوی بازی می‌کرد. یکی از عواملی که سبب شده او ۱۳ سال در قدرت بماند این است که وقتی فیفا برگزاری مسابقه میان تیم‌های ملی در ارتفاع بیش از ۲۷۵۰ متری از سطح دریا را ممنوع کرد، مورالس بعضی از کشورهای منطقه را در اعتراض به این حکم بسیج کرد و حمایت فیدل کاسترو و دیگو مارادونا را هم جلب کرد. بازی در چنین ارتفاع زیادی اسلحه اصلی بولیوی برای پیروزی بر تیم‌های ارجنتاین و برزیل بوده است. مورالس گفت، «هرجا عشق‌بازی می‌کنید، باید فوتبال هم بازی کنید.»



ویکتور اوربان، نخست وزیر هنگری. عکس: لازلو بالو/رویترز

فوتبال نماد دم دستی این پیام - مردانگی رهبر مقتدر - است. اردوخان در ترکیه و شی جین پینگ در چین فوتبال را به ستراتیژی مبارزه تبدیل کرده‌اند؛ ناسیونالیست‌ها در همه کشورها به وفاداری بازیکنان تیم‌های ملی چندقومی به دیده تردید می‌نگرند. همان طور که روملو لوکاکو، مهاجم تیم ملی بلجیم، می‌گوید، وقتی اوضاع تیم روبه‌راه است «به من می‌گویند، روملو لوکاکو، مهاجم بلجیمی. وقتی اوضاع نامساعد است، به من می‌گویند، روملو لوکاکو، مهاجم بلجیمی کنگوتبار.»

گولدبلات می‌گوید که ویکتور اوربان، رهبر جنبش استبدادی «ائتلاف مدنی

هنگری»، «بازیکن هولناک فوتبال پنج نفره» و عضو تیم «فوجیکاسور» («آجو جاری است...») بود. رئیس جمهور آینده هنگری و رئیس آینده مجلس این کشور هم عضو همین تیم بودند. وقتی اوربان به قدرت رسید یکی از اولین کارهایش ایجاد صندوقی دولتی برای بازسازی استادیوم‌های فوتبال همه باشگاه‌های دسته اول و دوم هنگری بود. همه قراردادها با شرکت‌های ساختمانی وابسته به «ائتلاف مدنی هنگری» منعقد شد. پریخت‌وپاش‌ترین طرح در فلکسوت، روستای زادگاه اوربان (با جمعیتی حدود ۱۵۰۰ نفر) اجراء شد. در این دهکده استادیومی برای تیم محلی ساختند که روبنایش از چوب بی‌عیب و نقص درخت ماهون بود و جایگاه هواداران تاق‌بندی قوسی داشت.

گولدبلات اغلب جزئیات فراوانی ارائه می‌دهد. او به نظریه موقعیت‌گرایی و تحلیل پسامارکسیستی اشاره می‌کند و از گی دوبور و والتر بنیامین برای اثبات نظر متقاعدکننده‌اش استفاده می‌کند و می‌گوید تقریباً همه بیم و امیدها و نابرابری‌های جامعه معاصر را می‌توان در نمایش ۱۱ بازیکن در مقابل ۱۱ بازیکن دیگر دید. این کتاب به درد کسانی نمی‌خورد که می‌خواهند برای وقت‌گذرانی چیزی درباره فوتبال یا سیاست جهانی بخوانند. این کتاب استدلالی انکارناپذیر در مخالفت با کسانی است که شاید هنوز بگویند فوتبال یا سیاست صرفاً نوعی بازی است.

* - تیم ادمز برنده دو جایزه معتبر روزنامه‌نگاری و نویسنده کتاب **جان مک‌انرو بودن** است. آنچه خواندید برگردان این نوشته او با عنوان اصلی زیر است:

‘The Age of Football by David Goldblatt review-not just a beautiful game’, *The Observer*, ۱ September 2019.